

خط شانس

قاتل و مقتول بدشانس

پسر جوان که به همراه دختر مورد علاقه اش قصد ورود به یک باغ را داشت در بدشانشی عجیبی با یک ضربه چوب به قتل رسید. صبح ۶مهر امسال مردی در تماس با ماموران پلیس تهران از کشته شدن جوانی در یک باغ در منطقه شهریار خبر داد و خیلی زود گروهی از ماموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند. تیم پلیسی با حضور در صحنه جرم با جسد پسر جوانی که از ناحیه سر هدف ضربه چوب قرار گرفته بود روبه رو شدند و همین موضوع کافی بود تا گروهی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه بازرس ویژه قتل و محل تشخیص هویت برای تحقیقات ویژه به جسد حاضر شدند. تیم پلیسی با کارآگاهان در گام نخست پدر قربانی جنایت را هدف تحقیق قرار دادند. وی گفت: شب حادثه دختر مورد علاقه پسر به جلوی در خانه آمد و همراه پسر به بیرون از خانه رفتند اما پس از چند ساعت دختر خانم بازگشت و ادعا کرد چال پسر بد شده است. به این ترتیب با هم به جلوی یک باغ رفتیم و با جسد پسر م روبه رو شدم. پدر قربانی جنایت افزود: وقتی پیگیر ماجرا شدم دختر جوان ادعا کرد قصد داشتیم به باغ دوستان برویم که ناگهان از دور یک چوب به سر پسران برخورد کرد و او روی زمین افتاد. کارآگاهان در ادامه دختر جوان را هدف بازجویی قرار دادند که مشخص شد یک چوب از دور به طرف سر پسر جوان پرتاب شده و این سناریوی مرموز رقم خورده است. تیم پلیسی در گام بعدی به سراغ نگهبان باغ رفت و مشخص شد نگهبان باغ که از دوستان قربانی جنایت بوده ناپدید شده و چوب دستی که به سر پسر جوان اصابت کرده متعلق به نگهبان باغ بوده است.

■ بازداشت قاتل بدشانس

دو ماه از ماجرای کشته شدن پسر بدشانس گذشت تا این که کارآگاهان پی برندن نگهبان باغ به عنوان کارتن خواب در منطقه مسکر آباد زندگی می کند. همین کافی بود تا کارآگاهان شامگاه دوشنبه ۲دی در یک عملیات غافلگیرانه این نگهبان جوان را دستگیر کنند. نگهبان جوان به ماموران گفت: من و مقتول باهم دوست بودیم، شب حادثه داخل باغ بودم که دیدم یک نفر داخل باغ است، فکر کردم دزد دار د باغ شده و از همان دور چوب دستی ام را به سمتش پرت کردم که بعد از زمین افتادن جوان مرموز منتظر ماندم و پس از دقایقی بالای سرش رفتم. وی افزود: وقتی بالای سر دوستم رسیدم تنها بود و خبری از دختر مورد علاقه اش نبود، کمکش کردم او را به داخل اتاق بردم که به هوش آمد و گفت که هیچ اتفاقی نیفتاده و سپس پایای خودش به بیرون از باغ رفت که در جلوی در باغ روی زمین افتاده و وقتی دیدم فوت کرده است از ترس فرار کردم. باور کنید من به قصد کشتن او را نداشتم و این اتفاق به خاطر یک بدشانشی رقم خورد. این نگهبان ادامه داد: در این مدت مانند یک کارتن خواب در منطقه مسکر آباد زندگی می کردم و هر روز عذاب وجدان داشتم تا این که دستگیر شدم.

خط خبر

دسیسه آب میوه ای زن جوان برای سرف های لاکچری

زن جوان وقتی پای در خانه های لاکچری می گذاشت تا نظافت کند با آب میوه های مسموم به اجرای دسیسه اش می پرداخت. اواخر سال گذشته، مرد جوانی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و از دستبرد به خانه اش توسط زنی ۳۰ساله به کلانتری ۱۰۸ نواب پرده برداشت. در ابتدای تحقیقات مال باخته گفت: قصد نظافت خانه را داشتم به همین دلیل با این خانم که کار نظافت منزل را انجام می داد تماس گرفتم و وی برای انجام کار به خانه من آمدم و هنگام انجام کار برای رفع خستگی شیرموز تهیه و به من هم تعارف کرد که پس از خوردن شیرموز بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم متوجه شدم دو ساعتی بیهوش بوده ام. وی ادامه داد: با بررسی شرایط خانه مشاهده کردم دو نظافتچی در منزل نیست و تعدادی از وسایلم از جمله لپ تاپ، مقداری طلا و پول به سرقت رفته است، با توجه به این که من در خانه خود دوربین مدار بسته نصب کرده بودم و سارق از آن بی اطلاع بوده، صحنه ها را سرقت ثبت شده است. با توجه به اظهارات شاکی و بررسی تصاویر ضبط شده، کارآگاهان زنی ۳۵ساله به نام «زبیا» را شناسایی کردند و موفق شدند مخفیگاه وی را در محدوده نواب پیدا کنند. با شناسایی مخفیگاه زن تبهکار، کارآگاهان پایگاه هشتم در یک عملیات غافلگیرانه وی را به قصد فرار داشت در خانه اش توقیف کردند. زن جوان در ابتدا منکر هر گونه نقش در سرقت شد اما با مشاهده مدارک موجود به ناچار لب به اعتراف گشود و بیان کرد تاکنون به این شیوه پنج مال باخته را که به بهانه نظافت به منزل نشان مراجعه کرده بیهوش کرده و سپس اموال و اشیای باارزش و قابل حمل از جمله پول، طلا، لپ تاپ و... را به سرقت برده است.

صبح دیروز در تهران رخ داد

قتل تلخ ۲ دختر با دیازپام



بیرون از خانه با دوستانشان سرگرم بودند و به خانه و خانواده اهمیت نمی دادند. وی افزود: دخترانم با هم رفیق بودند و همیشه بیرون از خانه سرگرم خوشگذرانی بودند و در این مدت هرچه با آن ها صحبت می کردم که از مسیر خانواده شان خارج نشوند به نتیجه ای نرسیدم و رفتارهایشان دیگر مرا خسته کرده بود و هر شب با آن ها درگیری داشتم که دیگر طاقتم از سرکشی ها و نافرمانی های شان به سر رسید و تصمیم به انجام این کار گرفتم.

راز خیانت خانم دکتر در سطل زباله

می کند و چه حال روزی دارد. وی ادامه داد: من خانه همسر را در حوالی خیابان اشرفی اصفهانی پیدا کردم و در حالی که فرزندم روی صندلی خودرو خواب بود مقابل خانه او به انتظار نشستم تا این که یک مرد غریبه را دیدم که از خانه همسر خارج شد. او کیسه ای مشکی در دست داشت که آن را داخل سطل زباله انداخت و رفت. بعد از این که مرد جوان از محل دور شد من سراغ سطل زباله رفتم و کیسه مشکی را جست و جو کردم و با یک جتین روبه رو شدم. همسر من به من خیانت کرده است و به همین دلیل از او شکایت دارم.

پزشک خانمی که با خیانت به همسرش با یک مرد تلافی را به دنبال داشت دیروز در دادگاه از خود دفاع کرد. رسیدگی به این پرونده با افشگری یک مرد پزشک به نام مجید آغاز شد.

این پزشک در مراجعه به پلیس آگاهی از همسرش شکایت کرد و گفت: من پزشک عمومی هستم و همسر من نیز متخصص است. مدت سه سال است که با هم اختلاف داریم و جدا از یکدیگر زندگی می کنیم. من فرزندم را پیش خود نگهداری می کنم تا این که چند روز قبل همسر مرا تعقیب کردم تا ببینم کجا زندگی

اصرار دختر تهرانی به بی گناهی:

مادرم قاتل پسر پولدار است نه من!



با پسری دوست شده که خودروی تیگودارد. به دخترم گفتم او را به خانه قرضانی آغاز شده بود مردی به پلیس آگاهی تهران مراجعه کرد و از ناپدید شدن پسر جوانش به نام کامران خبر داد.

شواهد نشان می داد پسر جوان چند روز بود به طرز مرموزی ناپدید شده و یک دختر با خانواده او تماس گرفته و در ازای آزادی اش پول خواسته بود. نشانی هایی که این مرد از پسرش ارائه داد با نشانی های جسد ناشناس مطابقت داشت.

به این ترتیب این مرد به پزشکی قانونی رفت و جسد پسرش را شناسایی کرد. در حالی که تحقیقات برای کشف راز این جنایت ادامه داشت پلیس ردیک مادر و دختر را در این ماجرا یافت و فهمید کامران آخرین بار به ملاقات آن ها رفته بود و به این ترتیب آن ها بازداشت شدند و دختر جوان لب به اعتراف گشود.

وی گفت: در دوردورهای شبانه با مقتول آشنا شدم و بعد از آن با هم دوست شدیم. چون پسر پولداری بود با مادرم نقشه کشیدیم تا او را گروگان بگیریم و در مقابل آزادی اش از خانواده اش پول بخواهیم. من طبق نقشه او را به خانه دعوت کردم و در قهوه اش قرص خواب آور ریختم. ما با تلفن او با خانواده اش تماس گرفتیم و برای آزادی او نیم میلیارد تومان پول خواستیم.

مادر دختر جوان، قتل کامران را گردن گرفت و گفت: دختر من به من گفته بود

بررسی حوادث

■ تحلیل کارشناس

دختران نافرمان در یک قدمی بزهکاری

دکتر مصطفی اقلیما- آسیب شناس اجتماعی و رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی

دخترانی که در محیط خانواده ناسازگار هستند و پر خاشگری می کنند از جهات مختلف مورد تحلیل قرار می گیرند. برخی از این دختران به دلیل تغییر محیط زندگی و حضور در کلان شهر ها و تحت تاثیر زندگی شهری و تطبیق نیافتن با فرهنگ آن جامعه دچار تزلزل می شوند و با خانواده خود در تنش و چالش به سر می برند که ممکن است تصمیمات آنی مانند فرار از خانه، ترک تحصیل و پيوستن به گروه های بزهکارانه بگیرند.

البته گروه همسالان نیز در بروز این پدیده تاثیر بسیاری دارد چون کار کردهای خانواده ضعیف شده است و جامعه مانند گذشته برای خانواده ارزش قائل نیست فرزندان از یک سنی به بعد خود را مستقل از خانواده تصور می کنند و همین موضوع موجب می شود در نوجوانی و جوانی با خانواده در گیر چالش ها و تضادهایی شوند و تصمیم به نافرمانی و پر خاشگری بگیرند.

البته در این بین دختران تاثیرات منفی تری را به خانواده و جامعه تحمیل می کنند. کاهش ارتباط عاطفی دختران با والدین شان سبب می شود نظارت روی رفتار دختران کمتر شود و آن ها تحت تاثیر گروه دوستان مرتکب هر عمل غیر اخلاقی شوند. با توجه به این که ارزش های خانواده کم رنگ تر شده و رنگ باخته است دختران نافرمان محصول جامعه ای هستند که برای خانواده هیچ ارزشی قائل نیستند و در اصل تربیت شان رها شده است. این دختران از نوع روابط درون خانوادگی بین پدر و مادر پادمی گیرند که نگاه شان به مسائل مثبت باشد یا منفی از این رو دختران نافرمان از نوع رابطه بین پدر و مادر شان نافرمانی و پر خاشگری را آموخته اند که از کانون خانواده فراری شده اند. از این رو رفتار و حرکات والدین، محیط و شرایط اجتماعی همگی در بروز این آسیب در بین دختران تاثیر گذار است.



در ابتدای جلسه مجید گفت: من به بیمارستانی که همسرم قبلاً ن جانت نظر بود رفتم و تعدادی از سونوگرافی های همسر م را از پزشکان گرفتم که نشان می دهد همسر من چند ماه قبل باردار بوده. او به من خیانت کرده است و به همین دلیل از او شکایت دارم. سپس زن جوان در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: سونوگرافی های من مربوط به زمان قبل بوده است. من هیچ رابطه ای با مرد تلافی ندارم. من و همه اقوام از آن مرد طلا می خریدیم و او آخرین بار برای تحویل دادن طلا به خانه آمده بود. با پایان دفاعیات این زن، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

محاکمه ۲ زن با ۲ دسیسه شوهر کشی

وی گفت: من هیچ رابطه ای با شمس... نداشتم. من قبل از مرگ شوهرم. یک بار او را همراه شوهرم دیده بودم که در حال دفن کیسه ای سیاه رنگ در باغچه خانه مان بودند. من نمی دانم داخل کیسه چه چیزی بود. شوهرم گفته بود او و شمس... کیسه سیب زمینی را در باغچه دفن کرده اند.

این زن در تشریح ماجرای کشته شدن همسرش گفت: آن شب من به همراه شوهرم و پسر م خواب بودیم که ناگهان شمس... با جاقوار د خانه شد و من و پسر م را تهدید به مرگ کرد. او شوهرم را کشت و گفت اگر پنج نفر را بکشد به بهیشت می رود. او تهدید کرد در این باره کسی حرفی نزنم و گرنه من و پسر م را نیز می کشد. به همین دلیل سکوت کردم اما حالا حقیقت را می گویم. من با شمس... هیچ رابطه ای نداشتم و نمی دانم چرا شوهرم را کشته است. من از ترس او معاونت در قتل را به عهده رفتم.

■ قتل شوهر با شلیک گلوله

دومین زنی که دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد زنی ۲۴ ساله بود. وی که با قرار وثیقه

آزاد است نهم اردیبهشت سال ۹۶ شوهر پولدارش را در خیابان دولت با شلیک سه گلوله کشت و از طریق دوربین های مدار بسته خیابان شناسایی و دستگیر شد.

این زن در بازجویی ها گفت: من زن دوم عباس بودم. او از همسر اولش چهار فرزند داشت که با من ازدواج کرد و حالا صاحب دو فرزند سه ساله و یک ساله هستیم.

شوهرم را ابتدا خیلی دوست داشتم به خاطر همین خیلی تلاش کردم خوشبخت شویم بعد از ازدواج فهمیدم اشتباه کرده ام به خاطر تفاوت فرهنگی با هم اختلاف یادی داشتیم.

وی ادامه داد: من و شوهرم آخرین بار در خیابان با هم در گیر شدیم و من با اسلحه شوهرم که آن را همیشه پنهانی با خود داشت چند تیر به سوی او شلیک کردم. به دنبال اعتراف های این زن و بازسازی صحنه جرم برای وی کیفر خواست صادر شد اما قیم چهار فرزند صغیر و دو فرزند کبیر قربانی اعلام گذشت کردند. به این ترتیب زن تیرانداز با قرار وثیقه از زندان آزاد شد. وی که قرار بود دیروز محاکمه شود به قضات گفت: من رضایت تعدادی از اولیای دم را گرفته ام و حالا مهلت می خواهم تا رضایت دیگر اولیای دم را نیز جلب کنم. قضات دادگاه در خواست وی را پذیرفتند و به دلیل غیبت اولیای دم جلسه را به روز های بعد موکول کردند تا زن جوان در این مدت بتواند رضایت دیگر اولیای دم را نیز جلب کند.

دو زن جوان که در قتل شوهرانشان دست داشتند دیروز در دادگاه پای میز محاکمه ایستادند.

■ سناریوی عجیب

نخستین زن جانیتهکاری که دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد اشرف ۴۰ساله بود که متهم به معاونت در قتل شوهرش است. نیمه شب ۲۱دی سال ۹۳یک مرد ۴۰ساله در خانه اش در شهریار با ضربات چاقو کشته شد. اشرف همسر وی که با داد و فریاد به همسایه ها خبر داده بود سناریوی عجیبی را مطرح کرد و به ماموران گفت: شوهرم نیمه شب به دست یک مرد ناشناس کشته شد.

به این ترتیب اشرف تحت بازجویی قرار گرفت و در این بازجویی ها حرف های ضد و نقیضی را مطرح کرد اما وقتی پلیس به رابطه پنهانی این زن با یک مرد افغان به نام شمس... پی برد وی به دست داشتن در قتل شوهرش اعتراف کرد. این زن گفت: مدتی بود با یک مرد افغان به نام رازق آشنا شده بودم و تلفنی با هم صحبت می کردم تا این که رازق به افغانستان رفت و دوست او شمس... صدرالدین با من تماس گرفت. او گاهی اوقات از احوال رازق به من خبر می داد تا این که کم کم به من ابراز علاقه کرد. رابطه دوستانه من و شمس... ادامه داشت تا این که او پیشنهاد قتل شوهرم را مطرح کرد اما من قبول نکردم. وی ادامه

داد: شمس... با حرف هایش مرا قانع کرد تا شوهرم را بکشیم. به همین دلیل نقشه قتل شوهرم را کشیدیم. نیمه شب در حالی که شوهرم خواب بود شمس...

وارد خانه ما شد و شوهرم را با چاقو کشت. ■ قرار مرد افغان

با اعتراف های این زن، ردیابی مرد افغان آغاز شد اما پلیس هیچ ردی از او به دست نیاورد. شواهد نشان می داد شمس... از ایران خارج شده است. با گذشت پنج سال از این ماجرا و در حالی که سر نخ ای مخفیگاه شمس... به دست نیامده بود اشرف دیروز در دادگاه به اتهام معاونت در قتل شوهرش از خود دفاع کرد.

■ در دادگاه

در ابتدای جلسه، نماینده دادستان کیفر خواست را خواند و گفت: اولیای دم که حالا در دادگاه حاضر نیستند برای عاملان جنایت حکم قصاص خواسته اند. سپس زن جوان روبه روی قضات ایستاد و منکر معاونت در قتل شد.